

## اهمیت شکر در امنیت غذایی و ضرورت حفظ آن در بسته حمایتی\*

دکتر فرهاد خدادادکاشی\*\* خلیل حیدری\*\*\*

### چکیده

شکر از جمله اقلام اساسی است که جایگاه ویژه‌ای در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی دارد و به علاوه، سهم بالایی از نیازهای خانوارها به انرژی را تأمین می‌نماید. میزان وابستگی گروههای کم درآمد به انرژی دریافتی از قند و شکر به مراتب بیش از گروههای پردرآمد است.

قرار داشتن قند و شکر در بسته حمایتی دولت، کمک مؤثر در تثبیت و پایداری انرژی دریافتی خانوارهای کم درآمد در طول زمان داشته است و یافته‌های این تحقیق بر حفظ آن در بسته حمایتی تأکید دارد. با توجه به روند روبه‌تزايد پرخوری قند و شکر در دهکهای پردرآمد، کوشش در جهت هدفمند نمودن یارانه از ضروری‌ترین موارد می‌باشد.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

\* این مقاله بر گرفته از طرح الگوی مصرف خوراک در مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی می‌باشد.

\*\* مدیر پژوهشهای بازرگانی داخلی و مسؤول طرح الگوی مصرف خوراک، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

\*\*\* همکار پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

## مقدمه

امنیت غذایی که به مسایل و مشکلات مربوط به غذا می‌پردازد، اولین بار در سال ۱۹۷۴ به طور جدی مطرح شد. در این سالها امنیت غذایی در سطح جهانی و سطح کشورها مورد توجه بود. سپس در دهه ۱۹۸۰، تحلیل‌های امنیت غذایی تا سطح خانوار و فرد گسترش یافت. از این رو، در ۲۰ سال اخیر تعاریف متعددی برای امنیت غذایی ارائه گردیده است. برای مثال در سال ۱۹۷۵، سازمان ملل متحد امنیت غذایی را چنین تعریف کرد: «امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید و قیمت آن». این تعریف نمایانگر توجه به امنیت غذایی در سطح جهانی است. سپس، سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی امنیت غذایی را «اطمینان از اینکه تمام مردم در تمام اوقات دسترسی اقتصادی و فیزیکی به غذاهای اصلی مورد نیاز خود دارند»، تعریف کرد که این تعریف نیز توجه به سطح کشوری امنیت غذایی دارد. اما در سال ۱۹۸۶، بانک جهانی امنیت غذایی را چنین تعریف کرد: «دسترسی تمام مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور زندگی سالم و فعال» که این تعریف در سالهای اخیر به عنوان یک تعریف قابل قبول شناخته شده است و کنفرانس بین‌المللی تغذیه در دسامبر ۱۹۹۲ نیز این تعریف را برگزیده است.

بر اساس این تعریف، امنیت غذایی هنگامی واقعیت پیدا می‌کند که مصرف‌کنندگان توانایی خرید غذای مورد نیاز خود را داشته باشند (دسترسی اقتصادی) و برای خرید، شبکه توزیع غذا در محل زندگی آنها وجود داشته باشد (دسترسی فیزیکی) لذا تنها عرضه غذای کافی، تأمین‌کننده امنیت غذایی نمی‌باشد یعنی اگر چه عرضه کافی غذا شرط لازم است اما شرط کافی نیست بلکه خانوارها باید بتوانند مواد غذایی را خریداری و مصرف نمایند. بنابراین، تحول تعاریف امنیت غذایی حاکی از آن است که ابعاد امنیت غذایی از سطح جهانی و کل کشور به سطح خانوارها و سبد مصرفی آنها گسترش یافته است. با توجه به تعاریف فوق، لازم است پس از بررسی اینکه آیا عرضه غذا به منظور ایجاد امنیت غذایی کافی می‌باشد یا خیر به این مسأله مهمتر پرداخته شود که آیا همه خانوارها به مقدار کافی به مواد غذایی دسترسی دارند یا خیر؟ دوم اینکه آیا حمایت دولت از کالاهای غذایی ضرورت دارد یا خیر؟

شکر از جمله کالاهای مصرفی خانوارهاست که با ایجاد حرارت و انرژی زیاد یکی از مهمترین مواد غذایی مورد نیاز بدن انسان محسوب می‌گردد. بر این اساس بررسی و تحلیل جایگاه شکر در تأمین نیازهای غذایی و امنیت غذایی محور بحث است.

قیمت ارزان شکر با توجه به مقدار کالری ایجاد شده از آن در مقایسه با اغلب مواد غذایی دیگر و سهم ۶/۸ درصد تأمین انرژی برای یک فرد شاخص شهری و ۷ درصد تأمین انرژی برای یک فرد شاخص روستایی، قند و شکر را به ترتیب پنجمین و چهارمین کالا از نظر رتبه‌بندی کالاها در تأمین انرژی یک فرد شهری و روستایی قرار داده است.

نتایج دلالت بر آن دارد که قند و شکر برای یک فرد کم درآمد شهری پس از نان و گروه روغن نباتی با سهم ۶/۱ درصد، سومین کالا در تأمین انرژی بوده در حالیکه برای یک فرد پردرآمد شهری پس از نان و گوشت با سهم ۸/۸ درصد سومین کالا در تأمین انرژی است. اما در روستا قند و شکر با سهم ۸/۹ درصد بعد از نان دومین کالا در تأمین انرژی یک فرد کم درآمد است در حالیکه این کالا با سهم ۶/۱ درصد چهارمین کالا در تأمین انرژی یک فرد پردرآمد روستایی بوده است.

همچنین کشتش درآمدی قند و شکر در سال ۷۵ برای فرد شاخص شهری ۰/۵۱ و برای فرد شاخص روستایی ۰/۵۶ بوده است یعنی کوچکتر از یک که نشان دهنده ضروری بودن این کالا در سبد مصرفی خانوار می‌باشد. از طرف دیگر، این کالا همواره در بسته حمایتی قرار داشته است که همه این موارد موید اهمیت قند و شکر در سبد مصرفی خانوار است.

از سوی دیگر، امروزه علاوه بر اینکه شکر به عنوان یک ماده غذایی به مصرف نهایی می‌رسد، در اغلب صنایع غذایی به عنوان ماده اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، شکر در صنایع غیر غذایی مانند سیمان، بتون، قالب‌گیری، ریخته‌گری و ذوب فلزات، ترکیبات مبارزه با آفات و امراض گیاهی، چسب‌ها و... کاربرد دارد.

شکر را به صورت صنعتی از نیشکر و چغندر قند استخراج می‌نمایند که قند حاصل سا کاروز است در حالیکه در بسیاری از گیاهان و نباتات انواع قندها از جمله سا کاروز، گلوکز و فروکتوز و... وجود دارد. در کشور ما ۳۵ کارخانه قند چغندری و ۲ کارخانه قند نیشکری وجود دارند که سالانه حدود ۵۰ درصد قند و شکر مورد نیاز کشور را تولید می‌کنند و بقیه از خارج وارد می‌گردد. البته با

راه‌اندازی هشت کارخانه نیشکری خوزستان و مساعدت به واحدهای موجود قند چغندری و ایجاد چند واحد تولیدی دیگر در سایر مناطق مستعد، می‌توان امید داشت میزان تولید قند و شکر را تا حد خودکفایی افزایش داد، زیرا ایران یکی از نادرترین کشورهای است که در آن کشت نیشکر و چغندر قند تابستانه و زمستانه به ویژه در خوزستان مقدور است. با این وجود، حتی در صورت دستیابی به خودکفایی در تولید قند و شکر تا رسیدن به امنیت غذایی در سطح خانوار راه زیادی می‌باید طی شود. برای آن که درک صحیح تری از مقوله امنیت غذایی داشته باشیم، بهتر است که موضوع در سطوحی خردتر و در سطح خانوار و در صورت امکان حتی بین اعضای خانوار بررسی شود.

بنابراین، با توجه به ضرورت تحلیل امنیت غذایی در سطح خانوار و اهمیت قند و شکر در مقایسه با سایر مواد غذایی، این مقاله به دنبال یافتن پاسخ برای سؤالات زیر است:

۱. جایگاه شکر در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی چیست؟
۲. ماهیت شکر به لحاظ اقتصادی چیست؟ به عبارت دیگر شکر چه نوع کالایی است: ضروری یا لوکس؟<sup>۱</sup> باکشش یا بی‌کشش است؟
۳. اهمیت شکر از دیدگاه علم تغذیه چیست؟
۴. اهمیت و سهم شکر در تأمین نیازهای غذایی خانوارهای شهری و روستایی چیست؟
۵. وابستگی دهکهای کم درآمد و پردرآمد به شکر تا چه حد است؟

۱. در اقتصاد خرد، کالاها بر اساس کشش درآمدی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - هرگاه کشش درآمدی (eM) بزرگتر از یک باشد، کالا را لوکس گویند.

ب. هرگاه کشش درآمدی کوچکتر از یک باشد کالا را ضروری می‌گویند. البته اگر کشش درآمدی کوچکتر از صفر باشد به آن کالا ضروری پست اطلاق می‌شود.

همچنین در اقتصاد خرد، کالاها را به بی‌کشش، باکشش و کشش واحد تقسیم می‌کنند. هرگاه کشش قیمتی (ep) بزرگتر از یک باشد، کالا را باکشش گویند. هرگاه کشش قیمتی کوچکتر از یک باشد، کالا را

بی‌کشش گویند. و اگر کشش قیمتی برابر واحد باشد کالا را باکشش واحد می‌نامند.

$$e_M = \frac{M \Delta}{Q_x \Delta} * \frac{M}{Q_x}, e_p = \frac{\Delta Q_x}{\Delta P_x} * \frac{P_x}{Q_x}$$

M = درآمد مصرف کننده =  $Q_x$  مقدار تقاضای کالای

$P_x$  = قیمت کالای X  $\Delta$  = تغییرات

۶. با توجه به جایگاه شکر در بودجه خانوارهای شهری و روستایی و همچنین سهم شکر در عملکرد غذایی خانوارها نحوه برخورد دولت با این ماده غذایی چگونه باید باشد؟ آیا حفظ آن در بسته حمایتی دولت ضروری است و یا می‌توان آن را از بسته حمایتی کنار گذاشت؟

برای پاسخ به سؤالات پیش گفته، ابتدا عرضه قند و شکر با توجه به نیاز خانوارها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سپس جنبه‌هایی از رفتار مصرفی خانوارها بر اساس جایگاه قند و شکر در مصرفی خانوارهای شهری و روستایی به کمک شاخصهای مختلفی مانند سهم قند و شکر در هزینه خوراکی، سهم قند و شکر در هزینه مصرفی خانوار، کسش درآمدی، قیمت‌های ضمنی و... بررسی می‌گردد. همچنین نقش قند و شکر در تأمین نیازهای غذایی دهک‌های مختلف درآمدی، چگونگی توزیع انرژی حاصل از قند و شکر، شکاف تغذیه‌ای، دامنه سلامت تغذیه‌ای، ضریب تغییرات و سهم هر گروه درآمدی از انرژی دریافتی قند و شکر بررسی می‌گردد تا در نهایت به این سوال پاسخ داده شود که آیا شایسته است قند و شکر در بسته حمایتی باقی بماند یا خیر؟

### ۱. بررسی عرضه شکر

بر اساس اطلاعات موجود، تولید قند و شکر در کشور در سال ۷۶ برابر با ۷۱۴ هزار تن بوده است که با توجه به جمعیت حدود ۶۰ میلیون نفری، سرانه عرضه انرژی از ناحیه تولید کالای قند و شکر در داخل کشور حدود ۴/۱۳۰ کالری برای هر نفر در روز بوده است که در مقایسه با مقدار توصیه شده<sup>۲</sup> قند و شکر برای مصرف هر نفر در روز یعنی ۱۸۰ کالری، به اندازه ۳۸ درصد کمبود وجود دارد که می‌توان گفت تولید داخلی کفاف نیاز خانوارهای ایرانی را نمی‌دهد و تا رسیدن به خودکفایی در تولید این محصول لازم است در کوتاه مدت از طریق واردات، کمبود را جبران نمود. البته در بلند مدت باید با استفاده از امکانات بالقوه کشور مانند استعداد کشت تابستانه و زمستانه چغندر قند و نیشکر و افزایش بهره‌وری نهاده‌های کشت چغندر قند و نیشکر، ظرفیت

۲. بررسی‌های بازرگانی شماره ۱۰۴ و ۱۰۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵، در صفحه ۳۲ مقدار توصیه قند و شکر توسط انستیتو تحقیقات تغذیه ایران ۴۵ گرم برای هر نفر در روز آمده است. همین رقم در مجله سیاسی اقتصادی شماره ۱۱۴-۱۱۳ صفحه ۱۱۸ آمده است.

تولیدی موجود را افزایش داد.

اطلاعات فوق حاکی از آن است که برای دریافت انرژی توصیه شده از محل شکر، در سال ۷۶ حدود ۲۷۰ هزار تن شکر اضافه بر تولید داخل، مورد نیاز بوده است که در مقایسه با مصرف ۱۸۳۷ هزار تن می‌توان نتیجه گرفت شکر مورد نیاز تأمین گردیده است. بنابراین، از نظر عرضه این کالا مشکل جدی وجود نداشته است اگر چه نوسانات مقطعی به دلایل مسائل گمرکی و قانونی ممکن است به وجود آمده باشد. از طرفی، به دلیل آن که به طور عمده قند و شکر توزیعی به نرخ تعادلی و به صورت یارانه‌ای می‌باشد، لذا می‌توان گفت از نظر دسترسی اقتصادی، خانوارها با مشکل جدی روبرو نبوده‌اند. لذا در پاسخ به این سؤال که آیا عرضه قند و شکر پاسخگوی نیاز مردم به قند و شکر بوده است یا خیر، باید گفت اگر چه با تولید داخل نمی‌توان عرضه کافی داشت اما از طریق واردات نیاز افراد جامعه به این ماده غذایی تاکنون تأمین شده است. البته اگرچه ارقام در سطح کل کشور دلالت بر آن دارد که نیاز خانوارها تاکنون تأمین شده است اما برای اظهار نظر دقیق‌تر راجع به میزان دریافت قند و شکر توسط تک تک افراد، لازم است موضوع در سطح خردتر و به ویژه در قالب دهکهای درآمدی بررسی شود تا مشخص گردد آیا گروههای کم درآمد نیز به اندازه کافی قند و شکر دریافت کرده‌اند یا خیر.

## ۲. جایگاه شکر در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی

برای آن که مشخص گردد خانوارها در جهت تأمین امنیت غذایی می‌توانند با شبکه‌های توزیع ارتباط داشته باشند یا خیر، باید وضعیت مصرف مواد غذایی را بررسی نمود اما در این مقاله با توجه به اینکه قرار است مصرف قند و شکر در سبد مصرفی خانوارها بررسی گردد لذا لازم است ابتدا جایگاه این کالا در سبد مصرفی خانوار یا به عبارت دیگر اهمیت کالا در سبد مصرفی خانوار بررسی گردد و سپس دریافت ارزشهای غذایی آن بحث شود.

واضح است که مصرف قند و شکر در جوامع شهری و روستایی یکسان نیست، همچنین در گروههای درآمدی مختلف اهمیت این کالا در سبد مصرفی متفاوت است لذا، جایگاه مصرف قند و شکر در ده گروه درآمدی و یک فرد شاخص در دو جامعه شهری و روستایی با استفاده از شاخصهای مختلف مانند سهم قند و شکر از هزینه خوراک خانوار، سهم قند و شکر از هزینه کل

خانوار، سهم هزینه هر گروه درآمدی از کل هزینه قند و شکر در هر سال و... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳. سهم قند و شکر در مخارج مواد خوراکی خانوارهای شهری و روستایی

شاخص سهم هزینه قند و شکر در هزینه مواد خوراکی خانوار که از تقسیم هزینه صرف شده برای خرید قند و شکر به هزینه صرف شده برای خرید کل مواد خوراکی به دست می‌آید، نشانگر جایگاه و اهمیت قند و شکر در سبد کالاهای خوراکی است. نتایج این شاخص (جدول ۱) نشان می‌دهد یک فرد شاخص در شهر، در سال ۶۳ حدود ۰/۷ درصد از هزینه مواد خوراکی را صرف قند و شکر کرده در حالیکه این سهم در سال ۷۵ به ۲/۸ درصد رسیده است یعنی در فاصله ۱۳ سال به طور متوسط سالانه ۲۳/۵ درصد رشد داشته است که نشان دهنده افزایش اهمیت این کالا در سبد مصرف خوراکی می‌باشد. اما زوند نشان می‌دهد در طی سالهای مختلف، نوسان زیادی وجود داشته است که می‌تواند به علت‌های گوناگونی مانند نوسانات مربوط به تأمین ارز جهت واردات حدود نیمی از مصرف، نوسانات مربوط به به تولید چغندر قند و نیشکر و... باشد. نوسان در قیمت‌های ضمنی طی این سالها تا حدودی مویب این مطلب است. اما سهم قند و شکر در هزینه خوراکی برای یک فرد کم درآمد شهری (دهک اول) در سال ۶۳ برابر با ۲/۳۴ درصد بوده که در سال ۷۵ به ۴/۸۲ درصد افزایش یافته است یعنی سالانه ۸ درصد رشد داشته است در حالیکه برای یک فرد پردرآمد (دهک دهم) شهری این سهم در سال ۶۳ برابر با ۰/۴۴ درصد بوده که با رشد سالانه‌ای معادل ۲۴ درصد در سال ۷۵ به ۱/۸۴ درصد افزایش یافته است. یعنی اگرچه گروه پردرآمد همواره مقدار کمتری از هزینه خوراکی خود را به قند و شکر اختصاص داده است اما رشد آن طی سالهای مختلف حدود ۳ برابر گروههای کم درآمد بوده است. لذا می‌توان گفت در جامعه شهری در گروههای کم درآمد اهمیت قند و شکر در سبد مصرفی از نظر قدر مطلق بسیار بیشتر از گروه پردرآمد است در حالیکه رشد سالانه هزینه قند و شکر مصرفی گروههای پردرآمد بیشتر از گروه کم درآمد می‌باشد که این نکته نشاندهنده افزایش سهم قند و شکر حتی در مخارج مصرفی گروه پردرآمد می‌باشد. در روستا، سهم هزینه قند و شکر از مخارج خوراکی یک فرد شاخص در سال ۶۳ برابر با ۱/۳۷ درصد بوده است که در

سال ۷۳ به بالاترین مقدار خود یعنی ۶/۲۲ درصد رسیده سپس در سال ۷۵ مجدداً به ۴/۳۴ کاهش یافته است یعنی در فاصله سالهای ۶۳/۷۵ سالانه رشدی معادل حدود ۱۷ درصد داشته است. اگر چه برای فرد شاخص روستایی سهم هزینه قند و شکر بیشتر از فرد شاخص شهری است اما از نظر رشد سالانه کمتر می‌باشد. سهم فوق برای یک فرد کم‌درآمد (دهک اول) روستایی در سال ۶۳ برابر با ۲/۲۲ درصد بوده که در سال ۷۳ به بیشترین مقدار خود ۹/۲۴ درصد رسیده است و سپس در سال ۷۵ به ۸/۳۱ درصد کاهش یافته، این رقم حتی از سهم نان در مخارج خوراکی خانوار کم درآمد روستایی یعنی ۶/۹ درصد بسیار بیشتر است به طوریکه قند و شکر در سبد مصرفی خانوار کم درآمد روستایی چهارمین کالا از نظر سهم در مخارج خوراکی می‌باشد. این امر درحالی است که قند و شکر در سبد حمایتی دولت قرار دارد و قیمت آن کنترل شده است. بنابراین، در صورت حذف یارانه و خارج نمودن آن از سبد حمایتی می‌توان انتظار داشت که سهم یاد شده بزرگتر گردد که با توجه به محدودیت درآمدی خانوارها باید از مصرف سایر کالاها صرف‌نظر کنند.

#### جدول ۱- سهم هزینه قند و شکر از مخارج خوراکی خانوارهای شهری و روستایی

(درصد)

به تفکیک گروههای درآمدی

شرح	سال	متوسط	دهک اول	دهک دهم
شهری	۶۳	۰/۶۹	۲/۳۴	۰/۴۴
	۷۲	۲/۴۴	۳/۱۵	۱/۸۳
	۷۳	۴/۲۶	۶/۴۴	۳/۱۶
	۷۵	۲/۸	۴/۸۲	۱/۸۴
روستایی	۶۳	۱/۳۷	۲/۲۲	۱/۲۸
	۷۲	۳/۸۷	۵/۲۱	۳/۳۷
	۷۳	۶/۲۲	۹/۲۴	۴/۹۳
	۷۵	۴/۳۴	۸/۳۱	۳/۱

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای



جدول ۲- قیمت ضمنی قند و شکر در جوامع شهری و روستایی به تفکیک گروههای درآمدی

(ریال)

شرح	سال	م	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
شهری	۷۲	۳۶۶	۲۵۴	۲۰۷	۳۶۵	۳۳۶	۲۶۸	۳۸۳	۳۸۹	۵۵۶	۳۴۹	۵۷۵
	۷۳	۱۰۱۰	۹۷۵	۹۶۰	۱۰۲۶	۱۰۲۲	۱۰۹۰	۹۹۹	۱۰۶۴	۱۰۲۸	۱۰۴۲	۹۲۶
روستایی	۷۲	۴۹۸	۲۵۹	۳۵۱	۳۹۶	۴۰۷	۴۴۱	۵۱۲	۵۱۹	۵۵۶	۵۸۹	۶۰۷
	۷۳	۱۲۰۷	۸۳۶	۱۰۱۹	۱۰۸۴	۱۱۰۷	۱۱۳۶	۱۲۰۱	۱۲۴۵	۱۲۷۱	۱۳۴۹	۱۳۷۵

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای

بازرگانی

جدول ۳- مخارج سرانه قند و شکر در جوامع شهری و روستایی به تفکیک گروههای درآمدی

(ریال)

شرح	سال	م	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
شهری	۷۲	۶۰۷۹/۵	۲۵۸۶/۵	۳۸۵۱/۶	۴۶۳۸/۷	۵۰۷۲	۵۲۳۴	۶۰۵۵/۵	۷۰۳۷	۸۲۲۴/۳	۸۳۰۵/۸	۹۷۶۶/۵
	۷۳	۱۵۲۵۲/۲	۷۶۰۳/۳	۱۰۱۷۹/۴	۱۲۱۱۲/۲	۱۳۲۹۶/۲	۱۴۸۳۰/۳	۱۴۹۸۵	۱۶۵۹۴/۹	۱۸۵۰۴	۲۰۲۲۲/۱	۲۳۹۷۹/۵
روستایی	۷۲	۸۰۶۷/۹	۲۲۰۱/۷	۳۷۸۸/۹	۴۹۴۷/۴	۵۵۳۹/۹	۶۵۲۴/۶	۸۴۹۶	۸۸۳۱	۱۰۴۵۴/۱	۱۲۱۴۳/۶	۱۷۷۲۳/۴
	۷۳	۱۸۲۲۹/۷	۶۵۱۸/۵	۱۰۸۰۴/۲	۱۲۲۹۵/۴	۱۴۶۱۷/۸	۱۵۴۴۹/۲	۱۸۰۱۱/۶	۱۹۴۱۶	۲۲۸۷۰/۳	۲۶۱۶۱/۵	۳۵۶۱۴/۳

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای

بازرگانی

در حالیکه برای یک فرد پردرآمد (دهک دهم) روستایی، در سال ۶۳ سهم فوق برابر با ۱/۲۸ درصد بوده و در سال ۷۳ به مقدار حداکثر ۴/۹۳ رسیده است، مجدداً در سال ۷۵ به ۳/۱ درصد کاهش یافته است یعنی سالانه رشدی حدود ۱۱ درصد داشته که این امر حاکی از آن است که اگرچه سهم هزینه قند و شکر در روستا بیشتر از شهر است اما رشد سالانه برای گروههای درآمدی مختلف یکسان نیست. نکته دیگر آنکه در بررسی روند سهم هزینه ها هم در شهر و هم در روستا مشاهده می‌گردد در سال ۷۳ سهم فوق در تمام گروههای درآمدی ناگهان افزایش یافته و سپس مجدداً کاهش داشته است که با مراجعه به مقادیر مصرف و قیمت‌های ضمنی مشاهده می‌گردد که به دلیل افزایش ناگهانی قیمت قند و شکر در سال ۷۳ نسبت به سال قبل (جدول ۲) به رغم کاهش مصرف قند و شکر در تمام گروههای درآمدی، هزینه صرف شده برای کالای قند و شکر توسط گروههای مختلف درآمدی (جدول ۳) افزایش شدید داشته است. مطلب فوق موید این است که کالای قند و شکر یک کالای بی‌کشش<sup>۳</sup> از نظر اقتصادی است. لذا این نکته باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد چون اگر یک کالای بی‌کشش باشد با افزایش قیمت، هزینه صرف شده بر روی کالا افزایش می‌یابد و قدرت خرید خانوارها به ویژه خانوارهای کم درآمد کاهش می‌یابد و سبب مصرفی آنها از سایر اقلام خوراکی خالی می‌شود. همچنین سبب آسیب‌پذیری بیشتر این خانوارها می‌شود در نتیجه امنیت غذایی آنها را بیشتر مورد تهدید قرار می‌دهد.

#### ۴. سهم قند و شکر در کل مخارج خانوارهای شهری و روستایی

شاخص سهم هزینه قند و شکر در هزینه کل سبد مصرفی خانوار که از تقسیم هزینه صرف

۳. نتایج محاسبه کشش قیمتی قند و شکر توسط سایر همکاران طرح الگوی مصرف نیز مؤید همین مطلب است زیرا کشش قیمتی قند و شکر را حدود ۰/۵ بر آورد کرده‌اند که کوچکتر از یک است.

۴. ارتباط مخارج خانوارها با کشش قیمتی تقاضا را به صورت زیر می‌توان توضیح داد: اگر کالا با کشش باشد با افزایش قیمت، درصد کاهش تقاضا بیشتر از درصد افزایش قیمت خواهد بود و لذا مخارج خانوارها کاهش می‌یابد. اگر کالا بی‌کشش باشد با افزایش قیمت، درصد کاهش تقاضا کمتر از درصد افزایش قیمت خواهد بود و لذا مخارج خانوارها افزایش می‌یابد.

شده برای خرید قند و شکر بر هزینه صرف شده برای خرید کل کالاهای مصرفی خانوار اعم از خوراکی و غیرخوراکی به دست می‌آید به ویژه به تفکیک گروه‌های درآمدی مختلف نه تنها اطلاعات مربوط به شاخص قبلی را به دست می‌دهد بلکه از آن می‌توان برای آزمون قانون انگل استفاده نمود. این قانون بیان می‌کند هرگاه با افزایش درآمد سهم هزینه صرف شده برای یک کالا کاهش یابد آن کالا ضروری محسوب می‌گردد. بر این اساس نتایج مربوط به سهم هزینه قند و شکر در هزینه سبد مصرفی خانوار شهری (جدول ۴) نشان می‌دهد در فاصله سالهای ۶۳ تا ۷۵ در اکثر سالها با افزایش درآمد، سهم هزینه قند و شکر از کل مخارج کاهش یافته است یعنی این مطلب که در جامعه شهری، قند و شکر یک کالای خوراکی ضروری محسوب می‌شود، در سالهای مختلف تأیید شده است. اما در روستا در فاصله سالهای ۶۳ تا ۷۰ همانطور که در جدول (۵) دیده می‌شود با افزایش درآمد خانوار روستایی، روند مشخصی را در مورد سهم هزینه قند و شکر در هزینه سبد مصرف خانوار نمی‌توان مشاهده نمود در حالیکه از سال ۷۰ تا سال ۱۳۷۵ روند نزولی بودن سهم فوق کاملاً قابل ملاحظه است که نشان دهنده ضروری شدن کالای قند و شکر در سبد مصرفی خانوار روستایی پس از این سالهاست. این تغییر الگوی مصرف یعنی ضروری شدن کالا در سبد مصرفی نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه قند و شکر در سبد مصرفی خانوارهای روستایی است. بنابراین، این شاخص به طور کلی بیانگر آن است که قند و شکر هم برای شهرنشینان و هم برای روستائینان یک کالای ضروری محسوب می‌گردد.<sup>۵</sup>

۵. نتایج برآورد کشتش درآمدی قند و شکر توسط سایر همکاران طرح الگوی مصرف نیز مؤید ضروری بودن قند و شکر در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی است. زیرا کشتش درآمدی قند و شکر در شهر ۰/۵۱ و در روستا ۰/۵۶ بوده که کوچکتر از یک است.

جدول ۴- سهم هزینه قند و شکر از مخارج کل خانوارهای شهری به تفکیک گروههای درآمدی طی

سالهای ۷۵-۱۳۶۳ درصد

سال	متوسط	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳۶۳	۰/۲۸	۰/۷۱	۰/۶۰	۰/۲۸	۰/۴۰	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۱۸
۱۳۶۴	۰/۳۷	۰/۷۲	۰/۷۲	۰/۶۴	۰/۵۱	۰/۴۹	۰/۴۵	۰/۴۵	۰/۳۵	۰/۳۱	۰/۲۹
۱۳۶۵	۰/۳۲	۰/۴۸	۰/۶۹	۰/۵۱	۰/۵۹	۰/۴۹	۰/۳۲	۰/۳۷	۰/۳۵	۰/۲۰	۰/۱۹
۱۳۶۶	۰/۳۶	۰/۷۲	۰/۴۸	۰/۵۵	۰/۶۵	۰/۴۴	۰/۳۹	۰/۳۲	۰/۳۱	۰/۲۵	۰/۲۰
۱۳۶۷	۰/۵۱	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۵۷	۰/۷۵	۰/۵۸	۰/۴۳	۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۲۹	۰/۲۷
۱۳۶۸	۰/۳۶	۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۶۴	۰/۶۵	۰/۶۰	۰/۵۲	۰/۳۷	۰/۴۰	۰/۳۷	۰/۳۶
۱۳۶۹	۰/۷۱	۰/۸۶	۰/۹۵	۱/۰۹	۰/۹۳	۰/۹۷	۰/۸۲	۰/۷۳	۰/۶۵	۰/۶۹	۰/۴۸
۱۳۷۰	۰/۵۷	۱/۰۶	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۸۳	۰/۷۹	۰/۷۵	۰/۶۷	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۴۰
۱۳۷۱	۰/۷۰	۱/۵۳	۱/۱۹	۱/۱۵	۱/۰۵	۱/۰۰	۰/۹۳	۰/۷۷	۰/۶۷	۰/۶۲	۰/۴۸
۱۳۷۲	۰/۷۹	۱/۳۳	۱/۲۸	۱/۲۳	۱/۱۱	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۸۸	۰/۶۸	۰/۴۳
۱۳۷۳	۱/۳۲	۲/۸۲	۲/۴۹	۲/۲۷	۲/۰۷	۱/۹۰	۱/۶۲	۱/۴۹	۱/۳۲	۱/۱۹	۰/۶۶
۱۳۷۴	۰/۹۳	۱/۷۵	۱/۸۱	۱/۶۵	۱/۳۶	۱/۳۰	۱/۱۳	۰/۹۹	۰/۹۰	۰/۷۹	۰/۴۹
۱۳۷۵	۰/۷۹	۱/۶۸	۱/۵۸	۱/۴۴	۱/۲۹	۱/۰۹	۱/۰۷	۰/۹۶	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۴۵

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای

جدول ۵- سهم هزینه قند و شکر از مخارج کل خانوارهای روستایی به تفکیک گروههای درآمدی

(درصد)

سالهای ۷۵-۱۳۶۳

سال	متوسط	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳۶۳	۰/۶۹	۱/۱۷	۰/۹۹	۱/۰۴	۰/۸۹	۰/۸۰	۰/۷۱	۰/۶۹	۰/۶۲	۰/۶۱	۰/۵۵
۱۳۶۴	۰/۸۶	۱/۲۹	۱/۱۸	۱/۷۰	۱/۰۳	۱/۱۱	۰/۹۹	۰/۸۷	۰/۷۸	۰/۶۹	۰/۶۲
۱۳۶۵	۱/۵۱	۱/۸۸	۱/۴۷	۱/۷۰	۱/۵۲	۱/۶۲	۱/۸۲	۱/۸۸	۱/۱۱	۱/۳۱	۱/۴۹
۱۳۶۶	۱/۴۷	۱/۱۸	۱/۵۰	۱/۵۸	۲/۰۱	۱/۵۳	۱/۷۰	۱/۴۰	۱/۲۱	۱/۰۸	۱/۱۵
۱۳۶۷	۱/۳۸	۰/۸۰	۱/۵۱	۱/۴۲	۱/۵۳	۱/۷۹	۱/۵۱	۱/۲۹	۱/۶۱	۱/۰۴	۱/۲۳
۱۳۶۸	۱/۰۸	۰/۷۶	۱/۱۴	۱/۳۹	۱/۱۴	۱/۰۶	۱/۳۱	۱/۲۴	۱/۱۳	۰/۶۰	۰/۸۱
۱۳۶۹	۱/۶۹	۱/۸۶	۲/۲۲	۱/۱۵	۲/۲۳	۱/۷۲	۱/۷۹	۱/۷۹	۱/۸۲	۱/۷۰	۱/۳۸
۱۳۷۰	۱/۳۷	۱/۷۷	۱/۷۸	۱/۶۸	۱/۵۹	۱/۷۳	۱/۶۶	۱/۵۱	۱/۳۰	۱/۲۲	۱/۱۱
۱۳۷۱	۱/۷۱	۲/۷۶	۲/۲۷	۲/۴۲	۲/۲۲	۲/۱۳	۱/۶۵	۱/۸۳	۱/۷۶	۱/۶۲	۱/۱۹
۱۳۷۲	۱/۹۳	۲/۷۱	۲/۵۲	۲/۵۱	۲/۲۷	۲/۲۱	۲/۴۹	۲/۰۸	۲/۰۱	۱/۸۱	۱/۴۲
۱۳۷۳	۲/۰۷	۵/۰۹	۴/۹۳	۴/۵۱	۴/۲۳	۴/۷۵	۴/۶۷	۴/۳۰	۴/۱۷	۲/۷۷	۱/۹۷
۱۳۷۴	۲/۰۶	۴/۹۷	۴/۵۶	۴/۹۹	۴/۷۶	۴/۶۵	۴/۳۷	۴/۲۲	۴/۰۴	۱/۸۱	۱/۴۰
۱۳۷۵	۲/۰۴	۴/۴۲	۴/۵۹	۴/۳۰	۴/۹۳	۴/۵۲	۴/۳۵	۴/۱۵	۴/۰۰	۱/۷۹	۱/۲۰

منبع: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای

بازرگانی

## ۵. نقش شکر در تأمین نیازهای غذایی

یکی از ملاکهای مهم در شناخت امنیت غذایی در سطح خانوار، بررسی عملکرد تغذیه‌ای کالاهای مختلف و مقایسه آن با مقادیر توصیه شده مراجع علم تغذیه می‌باشد که در این راستا تقسیم خانوارها بر اساس درآمد می‌تواند اطلاعات بسیار مفیدی از نحوه توزیع ارزشهای غذایی در بین گروههای مختلف درآمدی، شکاف تغذیه‌ای، درصد افراد آسیب‌پذیر و بسیاری از اطلاعات مفید دیگر را به دست دهد. بنابراین، با توجه به اهمیت و جایگاه ذکر شده برای قند و شکر در سبد مصرفی خانوار در این قسمت به بررسی میزان ارزشهای غذایی قند و شکر و مقایسه آن با مقادیر توصیه شده طی سالهای ۷۵-۱۳۷۱ پرداخته می‌شود. این گونه بررسی سری زمانی، ضمن آنکه اطلاعات مربوط به بک دوره زمانی را می‌دهد، اطلاعاتی نیز در زمینه پایداری دریافت ارزشهای غذایی و به ویژه تأثیر سیاستهای اقتصادی دولتها بر میزان مصرف قند و شکر و ارزشهای غذایی دریافتی خانوارها را نشان می‌دهد.

## ۶. نقش قند و شکر در تأمین نیازهای غذایی خانوارهای شهری و روستایی در

### سال ۷۵

نتایج مربوط به عملکرد تغذیه‌ای قند و شکر در سال ۷۵ نشانگر آن است که مهمترین ارزش غذایی این کالا انرژی است، در درجه بعد کربوهیدرات و تا حدودی کلسیم و آهن و پتاسیم است البته کربوهیدرات نیز خود با یک ضریب تبدیل در بدن بر اثر فعل و انفعالاتی به انرژی تبدیل می‌گردد (هر گرم کربوهیدرات به ۴ کالری انرژی تبدیل می‌گردد). بر این اساس می‌توان گفت مهمترین ارزش غذایی قند و شکر، انرژی است که خود تأمین کننده حیات و توان برای انجام فعالیتهای اقتصادی انسان است. نتایج مندرج در جدول (۶) نشان می‌دهد که انرژی حاصل از مصرف قند و شکر توسط یک نفر شهری به طور متوسط ۲۰۰/۳ کالری است که در مقایسه با مقدار مصرف توصیه شده حدود ۱۸۰ کالری، ۱۱ درصد بیشتر است و برای یک فرد روستایی دریافت انرژی از مصرف قند و شکر به طور متوسط معادل ۲۳۱/۴ کالری است که حدود ۱/۲ برابر از کالری دریافتی یک نفر شهری بیشتر است. همچنین حدود ۲۹ درصد از مقدار توصیه شده بیشتر است. لذا می‌توان گفت به طور متوسط در جامعه شهری و روستایی از نظر مصرف قند

و شکر مشکلی وجود ندارد. اما این نتیجه نمی‌تواند بیانگر واقعیت باشد زیرا ممکن است کم مصرفی گروههای کم درآمد با اضافه مصرف گروههای پردرآمد خنثی شده باشد لذا برای دقت بیشتر، انرژی دریافتی از قند و شکر در گروههای درآمدی مختلف بررسی می‌گردد. بر این اساس نتایج نشان می‌دهد یک فرد کم درآمد شهری از محل قند و شکر  $127/9$  کالری انرژی دریافت می‌کند که  $30$  درصد کمتر از مقدار توصیه شده است در حالیکه یک فرد پردرآمد شهری از محل قند و شکر  $349/1$  کالری انرژی دریافت می‌کند که حدود  $94$  درصد بیشتر از مقدار توصیه شده است. لذا طبق انتظارات یاد شده گروههای کم درآمد کمتر از حد نیاز مصرف می‌کنند در حالیکه گروههای پردرآمد بیشتر از حد نیاز مصرف می‌کنند. البته باید توجه نمود که هم کم خواری و هم بیش خواری در دانش تغذیه پسندیده نیست لذا ضروری است با توجه به دامنه مطلوب دریافت انرژی در صد افراد پرخور و آسیب پذیر و سالم از نظر تغذیه ای مشخص گردد که در بخشهای بعدی به آن پرداخته می‌شود. همچنین یک فرد کم درآمد روستایی  $139/1$  کالری انرژی از محل مصرف قند و شکر دریافت می‌کند که حدود  $23$  درصد کمتر از مقدار توصیه شده است. در حالیکه یک نفر پردرآمد روستایی  $375/7$  کالری انرژی از محل مصرف قند و شکر دریافت می‌کند که حدود  $108$  درصد بیشتر از مقدار توصیه شده است.

لذا می‌توان گفت در جامعه روستایی از نظر دریافت انرژی از قند و شکر به طور مطلق هم در گروههای کم درآمد و هم گروههای پردرآمد وضعیت بهتر از جامعه شهری است. اگر چه هنوز گروههای کم درآمد کمتر از حد نیاز و گروههای پردرآمد بیشتر از مقدار توصیه شده انرژی دریافت می‌کنند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد سهم قند و شکر در تأمین انرژی یک فرد شاخص شهری  $6/8$  درصد بوده است که در مقایسه با سایر کالاها رتبه پنجم را کسب می‌کند و سهم قند و شکر در تأمین انرژی یک فرد کم درآمد شهری  $6/1$  درصد بوده در حالیکه سهم فوق برای یک فرد پردرآمد  $8/8$  درصد بوده است یعنی اهمیت قند و شکر در تأمین انرژی افراد پردرآمد  $1/4$  بیش از افراد کم درآمد می‌باشد.

جدول ۶- نقش قند و شکر در تأمین انرژی خانوارهای شهری و روستایی  
به تکنیک گروههای درآمدی

گروههای درآمدی			شرح	
دهک دهم	دهک اول	متوسط		
<b>شهری:</b>				
۳۲۹/۱	۱۱۷/۹	۲۰۰/۳	انرژی دریافتی از قند و شکر (کالری)	
۸/۸	۶/۶	۶/۸	سهم در تأمین انرژی کل (درصد)	
۱۶۹/۱	(۵۲/۱)	۲۰/۳	مقدار (کالری)	مازاد (کمبود) نسبت به مقدار توصیه شده*
۹۳/۹	(۲۸/۹)	۱۱/۳	درصد	
<b>روستایی:</b>				
۳۷۵/۷	۱۳۹/۱	۲۴۹/۲	انرژی دریافتی از قند و شکر (کالری)	
۶/۱	۸/۹	۷	سهم در تأمین انرژی کل (درصد)	
۱۹۵/۷	(۴۰/۹)	۵۱/۲	مقدار (کالری)	مازاد (کمبود) کالری نسبت به مقدار توصیه شده*
۱۰۸/۷	(۲۲/۷)	۲۸/۶	درصد	

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

\* بررسیهای بازرگانی شماره ۱۰۴ و ۱۰۵ در صفحه ۳۲، مصرف ۲۵ گرم قند و شکر روزانه برای هر نفر را توصیه کرده که این مقدار حدود ۱۸۰ کالری دارد.



در روستا سهم قند و شکر در تأمین انرژی یک فرد شاخص روستایی ۷ درصد است که رتبه چهارم را در بین سایر کالاها در تأمین انرژی کسب می‌کند و برای یک فرد کم درآمد سهم قند و شکر در تأمین انرژی ۸/۹ درصد و برای افراد پردرآمد این سهم ۶/۱ درصد بوده است که این نتایج نشان می‌دهد در جامعه روستایی اهمیت قند و شکر در گروه‌های پردرآمد و کم درآمد عکس جامعه شهری است به عبارت دیگر اهمیت قند و شکر در تأمین انرژی افراد کم درآمد روستایی حدود ۱/۵ برابر افراد پردرآمد است.

بررسی‌های طرح الگوی مصرف دلالت بر آن دارد که گروه‌های پردرآمد روستایی در مقایسه با گروه‌های کم درآمد روستایی پرخورگی می‌نمایند. چنانکه در سال ۱۳۷۵ انرژی دریافتی آنها حدود ۶۱۶۹ کالری انرژی در روز است و به همین دلیل، سهم قند و شکر در تأمین انرژی گروه‌های پردرآمد روستایی ناچیز است.

#### ۷. بررسی روند توزیع انرژی دریافتی از قند و شکر طی سالهای ۷۵-۱۳۷۱

جنبه دیگر امنیت غذایی، نحوه توزیع ارزشهای غذایی یک کالا در گروه‌های درآمدی مختلف و پایداری یا ناپایداری آن توزیع در طی سالهای مختلف است. ضریب تغییرات<sup>۶</sup> توزیع انرژی حاصل از قند و شکر شاخص مناسبی برای این منظور می‌باشد. ضریب تغییرات مربوط به یک سال میزان پراکنندگی نسبی توزیع در گروه‌های مختلف درآمدی را نشان می‌دهد. در حالی که ضریب تغییرات مربوط به روند زمانی در هر دهک، پایداری دریافت یک ارزش غذایی را در همان دهک در طی زمان نشان می‌دهد.

نتایج مربوط به توزیع انرژی دریافتی از قند و شکر در سالهای ۷۱ الی ۷۵ که در جداول شماره ۷ الی ۱۰ درج شده است، نشان می‌دهد ضریب تغییرات توزیع انرژی حاصل از مصرف قند و شکر بین دهک‌های مختلف درآمدی (جدول ۷) در سال ۷۱ در شهر برابر با ۰/۲ بوده که در سال ۷۲ به ۰/۳ افزایش یافته است و نشان می‌دهد که توزیع نامتعادل‌تر شده مجدداً در سال ۷۳ به ۰/۲ رسیده و دوباره در سال ۷۵ به ۰/۳ افزایش یافته است. بنابراین، ملاحظه می‌شود تقریباً پایداری در توزیع انرژی حاصل از قند و شکر بین دهک‌های مختلف حفظ شده است. در جامعه

۶. ضریب تغییرات  $CV = \frac{S}{X}$ ، میانگین  $X$  و انحراف معیار  $S$

روستایی ضریب تغییرات توزیع انرژی حاصل از مصرف قند و شکر بین دهکهای مختلف درآمدی در سال ۷۱ برابر با ۰/۴ و طی سالهای ۷۵-۱۳۷۱ حدود ۰/۴-۰/۳ بوده است که این نیز دلالت بر پایداری نسبی توزیع انرژی قند و شکر دارد. نکته قابل توجه این است که میزان پراکنندگی توزیع انرژی بین دهکهای مختلف درآمدی در روستا نسبت به جامعه شهری در همه سالها بیشتر است.

جدول ۷- ضریب تغییرات توزیع انرژی حاصل از مصرف قند و شکر به تفکیک شهری و روستایی

(۷۵-۱۳۷۱)

شرح	سال ۷۱	سال ۷۲	سال ۷۳	سال ۷۴	سال ۷۵
شهری	۰/۲	۰/۳	۰/۲	۰/۲	۰/۳
روستایی	۰/۴	۰/۴	۰/۳	۰/۴	۰/۳

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

پایداری در انرژی دریافتی دهکهای مختلف درآمدی طی زمان از طریق ارقام جدول (۸) قابل بررسی است. با ملاحظه ارقام این جدول مشخص می‌گردد که مقدار این ضریب برای فرد شاخص شهری و روستایی طی سالهای ۷۱ تا ۷۵ به ترتیب ۰/۱ و ۰/۲ می‌باشد. بنابراین، میزان نوسان در انرژی دریافتی فرد شاخص شهری به مراتب کمتر از فرد شاخص روستایی است. این نتایج نشان می‌دهد ضریب تغییرات توزیع زمانی انرژی برای قند و شکر در دهک اول در شهر ۰/۱ است در حالیکه در دهک دهم ۰/۳ که دلالت بر ناپایداری در دهک دهم دارد. بر این اساس می‌توان اظهار داشت دهک دهم در مقایسه با دهک اول نوسان بیشتری را در مصرف قند و شکر تجربه نموده است. علت آن شاید این باشد که چون قند و شکر مصرفی گروههای کم درآمد عمدتاً از نظام حمایتی تأمین می‌گردد لذا مصرف قند و شکر این اقشار کمتر دچار نوسان بوده است، از طرف دیگر گروههای پردرآمد علاوه بر نظام حمایتی از بازار آزاد نیز قند و شکر خریداری و مصرف می‌نمایند و همچنین امکان جایگزینی این کالا با سایر اقلام برای گروه

پردرآمد بیشتر است لذا ناپایداری در مصرف قند و شکر در این گروهها بیشتر است. اما در جامعه روستایی ضریب تغییرات توزیع زمانی انرژی برای گروه کم درآمد ۰/۲ و برای گروه پردرآمد نیز ۰/۲ است یعنی پایداری در هر دو گروه یکسان است. بنابراین تفاوتی که در جامعه شهری دیده می‌شود، در روستا مشاهده نمی‌گردد که شاید به این علت باشد گروه پردرآمد روستایی اگرچه امکان جایگزینی سایر کالاها را با قند و شکر دارد اما دسترسی به کالاهای جایگزین کمتر دارد لذا ناپایداری توزیع زمانی انرژی این گروه نسبت به جامعه شهری کمتر است.

جدول ۸- ضریب تغییرات توزیع زمانی انرژی دریافتی از محل قند و شکر برای دهکهای مختلف

درآمدی (۲۵-۱۳۷۱)

دهکهای درآمدی										شرح	میانگین
دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول		
۰/۳	۰/۲	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۱	شهر
۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	روستا

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای

بازرگانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

جدول ۹- انرژی دریافتی قند و شکر در سالهای مختلف به تفکیک گروههای درآمدی - شهری

ضریب	دهکهای درآمدی										سال
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	
۰/۲	۱۱۰/۸	۲۰۲/۳	۱۳۷/۶	۱۶۳/۸	۲۱۱/۸	۱۷۱/۲	۱۹۳/۸	۱۵۹/۱	۲۵۶/۲	۱۸۳/۹	۰/۲
۰/۳	۱۰۴/۹	۱۱۹/۰	۱۲۷/۷	۱۳۸/۴	۱۴۳/۸	۱۵۰/۴	۱۶۱/۰	۲۸۹/۸	۱۷۱/۷	۱۸۵/۸	۰/۳
۰/۲	۱۰۰/۸	۱۱۹/۲	۱۲۹/۹	۱۷۲/۲	۱۵۱/۶	۱۴۹/۴	۱۶۳/۴	۱۷۳/۰	۱۸۴/۹	۲۰۶/۲	۰/۲
۰/۲	۱۳۱/۰	۱۵۵/۹	۱۷۱/۰	۱۷۸/۶	۱۸۸/۴	۱۹۲/۶	۲۰۲/۴	۲۲۲/۹	۲۴۵/۶	۲۹۲/۹	۰/۲
۰/۳	۱۲۷/۹	۱۵۰/۶	۱۶۵/۷	۱۷۷/۵	۱۷۳/۲	۲۰۳/۴	۲۱۳/۲	۲۱۹/۵	۲۱۹/۲	۳۴۹/۱	۰/۳
ضریب تغییرات	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۳	*

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

جدول ۱۰- انرژی دریافتی قند و شکر در سالهای مختلف به تفکیک گروههای درآمدی - روستایی

ضریب	دهکهای درآمدی										سال
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	
۰/۴	۱۱۱/۱	۱۲۴/۹	۱۴۰/۲	۱۵۳/۰	۱۵۵/۳	۱۶۲/۸	۱۷۲/۵	۱۸۸/۹	۲۰۶/۱	۳۲۹/۸	۰/۴
۰/۴	۹۱/۱	۱۱۶/۰	۱۳۵/۵	۱۴۶/۳	۱۵۹/۴	۱۸۰/۱	۱۸۴/۵	۲۰۴/۰	۲۲۲/۵	۳۱۶/۶	۰/۴
۰/۳	۸۴/۶	۱۱۵/۰	۱۲۷/۰	۱۳۳/۳	۱۴۶/۷	۱۶۲/۹	۱۶۹/۲	۱۹۵/۵	۲۱۰/۸	۲۸۱/۶	۰/۳
۰/۴	۱۲۲/۶	۱۸۲/۰	۱۷۳/۵	۱۹۳/۱	۲۱۳/۶	۲۱۸/۲	۲۲۴/۱	۲۴۵/۷	۳۱۳/۹	۴۵۳/۱	۰/۴
۰/۳	۱۳۹/۱	۱۶۵/۲	۱۸۷/۰	۱۹۴/۶	۲۱۲/۹	۲۲۲/۷	۲۴۵/۹	۲۶۲/۷	۳۰۷/۴	۳۷۵/۷	۰/۳
ضریب تغییرات	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	*

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

### ۸. انرژی دریافتی از قند و شکر و سهم دهکهای مختلف درآمدی

بررسی توزیع انرژی در بین گروههای درآمدی مختلف با استفاده از ملاک دیگری نیز قابل بررسی است و آن استفاده از سهم هر دهک از کل انرژی توزیع شده از کل مصرف قند و شکر در جوامع شهری و روستایی است. همانطور که نتایج ارایه شده در جدول (۱۱) نشان می‌دهد، گروه کم درآمد (دهک اول شهری) به طور متوسط ۶/۵ درصد انرژی از کل انرژی توزیع شده در جوامع شهری را به خود اختصاص داده، در حالیکه گروههای پردرآمد (دهک دهم) به طور متوسط ۱۳ درصد انرژی را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین گروههای پردرآمد بیش از ۲ برابر گروههای کم درآمد قند و شکر مصرف کرده‌اند که دلالت بر توزیع نسبتاً نامتعادل دارد. این وضعیت در جوامع روستایی با شدت بیشتری قابل ملاحظه است زیرا به طور متوسط گروههای کم درآمد روستایی ۵/۵ درصد انرژی را به خود اختصاص داده‌اند، در حالیکه گروههای پردرآمد به طور متوسط ۱۷ درصد انرژی را به خود اختصاص داده‌اند یعنی گروههای پردرآمد بیش از ۳ برابر نسبت به گروههای کم درآمد به قند و شکر دسترسی داشته‌اند و در واقع می‌توان گفت که در جوامع روستایی، توزیع نابرابرتر از جوامع شهری است.

ارقام جدول (۱۱) دلالت بر آن دارد که طی سالهای ۷۵-۱۳۷۱ سهم دهک اول از کل انرژی توزیع شده در جوامع شهری تقریباً ثابت می‌باشد در حالیکه سهم دهک دهم شهری از ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۱۷/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. اما در جامعه روستایی اگرچه در گروه کم درآمد طی سالهای ۷۱ تا ۷۵ نوسان زیادی دیده نمی‌شود ولی در گروههای پردرآمد عکس جامعه شهری یک روند نزولی در سهم انرژی دریافتی از قند و شکر دیده می‌شود به طوری که از مقدار ۱۸/۹ درصد در سال ۷۱ به رقم ۱۶/۳ درصد در سال ۷۵ رسیده است. بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت توزیع انرژی دریافتی از محل قند و شکر هم در شهر و هم در روستا نامتعادل است اگر چه عدم تعادل در روستا بیشتر است. توضیح آنکه سهم دهک اول در جوامع شهری و روستایی از کل قند و شکر توزیع شده تقریباً با ثبات بوده است. در حالیکه سهم دهک دهم شهری روند صعودی و سهم دهک دهم روستایی روند نزولی داشته است.

جدول ۱۱- سهم انرژی دریافتی از قند و شکر برای هر دهک درآمدی (۷۵-۱۳۷۱)

سال	شهری			روستایی		
	متوسط	دهک اول	دهک دهم	متوسط	دهک اول	دهک دهم
۷۱	۱۰	۶/۲	۱۰/۳	۱۰	۶/۲	۱۸/۹
۷۲	۱۰	۶/۶	۱۱/۷	۱۰	۵/۲	۱۸
۷۳	۱۰	۶/۵	۱۳/۳	۱۰	۵/۲	۱۷/۲
۷۴	۱۰	۶/۶	۱۴/۸	۱۰	۵/۲	۱۹
۷۵	۱۰	۶/۴	۱۷/۵	۱۰	۶	۱۶/۳
میانگین	۱۰	۶/۵	۱۳	۱۰	۵/۵	۱۷

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

### ۹. بررسی سلامت تغذیه‌ای مصرف قند و شکر در جوامع شهری و روستایی

سلامت تغذیه‌ای و امنیت غذایی برای خانوارها از مهمترین اهداف برنامه‌ریزان تغذیه کشور است و در این راستا لازم است ابتدا مقادیر توصیه شده از مصرف هر کالا تعیین گردد، سپس تمام خانوارها به مقادیر مورد نیاز دسترسی یابند. میزان نیاز هر فرد به انواع مواد مغذی از طرف متخصصین علم تغذیه تعیین می‌شود و در این پژوهش با استفاده از استانداردهای تغذیه‌ای و مقایسه آن با عملکرد غذایی درصدد بررسی این امر هستیم که خانوارهای شهری و روستایی تا چه حد مصرف قند و شکر خود را با استانداردهای تغذیه‌ای تطبیق داده‌اند. برای این منظور سه دامنه آسیب‌پذیری، سلامت تغذیه و پرخوری تعریف می‌شود و سپس درصد افرادی که در هر دامنه قرار می‌گیرند، محاسبه می‌شود.

الف. دامنه آسیب‌پذیری: در این دامنه افرادی قرار می‌گیرند که نسبت انرژی دریافتی آنان از

محل قند و شکر به مقدار توصیه شده کمتر از ۸۰ درصد باشد.

ب. دامنه سلامت تغذیه: در این دامنه افرادی قرار می‌گیرند که نسبت انرژی دریافتی آنان از محل قند و شکر به مقدار توصیه شده در فاصله ۸۰ تا ۱۲۰ درصد باشد.

ج. دامنه پرخوری: در این دامنه افرادی قرار می‌گیرند که نسبت انرژی دریافتی آنان از محل قند و شکر به مقدار توصیه شده بیشتر از ۱۲۰ درصد باشد.

با استفاده از تعاریف فوق و نتایج مربوط به درصد تحقق انرژی دریافتی به توصیه مندرج در جداول (۱۲) الی (۱۵) ملاحظه می‌شود در بدترین حالت (۱۳۷۲) ۴۰ درصد جوامع شهری (۱۳۷۳) آسیب‌پذیر بوده‌اند و در بهترین حالت در سالهای ۷۴ و ۷۵ تنها ۱۰ درصد آسیب‌پذیر بوده‌اند اما طی همین سالها در بهترین حالت (۷۳ و ۷۱) ۷۰ درصد افراد در سلامت تغذیه‌ای قرار داشته‌اند و در بدترین حالت (۱۳۷۵) ۵۰ درصد افراد در دامنه سلامت تغذیه‌ای از محل مصرف قند و شکر قرار داشته‌اند و بالاخره در مورد پرخوری افراد از قند و شکر در بهترین حالت (۱۳۷۳) هیچ پرخوری نداشته‌ایم در حالیکه در سال ۷۵ حدود ۴۰ درصد افراد شهری دچار پرخوری قند و شکر بوده‌اند. با بررسی ارقام مندرج در جداول (۱۲ و ۱۴) درمی‌یابیم که طی سالهای ۷۵-۱۳۷۱ درصد افراد آسیب‌پذیر کاهش یافته است و به علاوه درصد افرادی که در دامنه سلامت می‌باشند از ۷۰ درصد در سال ۷۱ به ۵۰ درصد در سال ۷۵ کاهش یافته است. همچنین یافته‌های این مقاله دلالت بر آن دارد که درصد افراد پرخور از ۱۰ درصد در سال ۷۱ به ۴۰ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. اما در جامعه روستایی نتایج مندرج در جداول ۱۳ و ۱۵ نشان می‌دهد طی سالهای ۷۱ الی ۷۵ در بهترین حالت ۱۰ درصد افراد آسیب‌پذیر، ۶۰ درصد در دامنه سلامت تغذیه‌ای و ۱۰ درصد پرخوری نموده‌اند. اما در بدترین حالت ۳۰ درصد آسیب‌پذیر و ۳۰ درصد در سلامت تغذیه و ۶۰ درصد پرخوری نموده‌اند. همین نتایج نشان می‌دهد اگر چه در طی زمان از درصد آسیب‌پذیری کاسته شده ولی از طرف دیگر درصد افرادی که در دامنه سلامت قرار داشته‌اند نیز کاهش یافته است و درصد پرخوری در جامعه روستایی اضافه گردیده است. بنابراین می‌توان گفت در جوامع شهری و روستایی از نظر امنیت غذایی برای مصرف قند و شکر درصد زیادی از افراد دچار مشکل هستند. از طرفی، طی زمان نوسان نیز وجود دارد که نشان‌دهنده نبودن یک برنامه غذایی صحیح برای بهبود

آسیب پذیری و کاهش پرخوری است. این نتیجه گیری هم در جامعه شهری صادق است و هم در جامعه روستایی. بنابراین با توجه به روند رو به تزاید پرخوری دهکهای پردرآمد در جوامع شهری و روستایی هدفمند شدن یارانه به سوی گروههای کم درآمد به منظور برقراری امنیت غذایی قند و شکر برای این گروه ضرورت دارد.

جدول ۱۲- درصد افرادی که در دامنه سلامت تغذیه ای، آسیب پذیری و پرخوری از محل قند و شکر قرار دارند (۷۵-۱۳۷۱)

(درصد - شهری)

سال	دامنه آسیب پذیر	دامنه سلامت تغذیه	دامنه پرخوری
۷۱	۲۰	۷۰	۱۰
۷۲	۴۰	۵۰	۱۰
۷۳	۳۰	۷۰	۰
۷۴	۱۰	۶۰	۳۰
۷۵	۱۰	۵۰	۴۰

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

جدول ۱۳- درصد افرادی که در دامنه سلامت تغذیه ای، آسیب پذیری و پرخوری از محل قند و شکر قرار دارند (۷۵-۱۳۷۱)

(درصد - روستایی)

سال	دامنه آسیب پذیر	دامنه سلامت تغذیه	دامنه پرخوری
۷۱	۳۰	۶۰	۱۰
۷۲	۳۰	۵۰	۲۰
۷۳	۳۰	۶۰	۱۰
۷۴	۱۰	۳۰	۶۰
۷۵	۱۰	۳۰	۶۰

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی



جدول ۱۴- نسبت انرژی دریافتی به توصیه شده قند و شکر در سالهای مختلف

(درصد)

به تفکیک دهکهای درآمدی - شهر

دهکهای درآمدی										سال	میانگین
دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول		
۱۰۴/۳	۱۴۵/۳	۹۰/۲	۱۰۹/۸	۹۷/۰	۱۲۰/۱	۹۲/۸	۷۸/۰	۱۱۴/۷	۶۲/۸	۱۰۱/۹	۷۱
۱۰۵/۳	۹۷/۴	۱۶۴/۳	۹۱/۳	۸۵/۳	۸۱/۵	۷۸/۵	۷۲/۴	۶۷/۴	۵۹/۵	۹۰/۷	۷۲
۱۱۶/۹	۱۰۴/۸	۹۸/۱	۹۲/۶	۸۴/۷	۸۶/۰	۹۸/۷	۷۳/۶	۶۷/۶	۵۷/۱	۸۷/۷	۷۳
۱۶۶/۰	۱۳۹/۳	۱۲۶/۴	۱۱۴/۷	۱۰۹/۲	۱۰۶/۸	۱۰۱/۲	۹۷/۰	۸۸/۴	۷۴/۲	۱۱۲/۳	۷۴
۱۹۷/۹	۱۲۴/۳	۱۲۴/۴	۱۲۰/۹	۱۱۵/۳	۹۸/۲	۱۰۰/۶	۹۳/۹	۸۵/۴	۷۲/۵	۱۱۳/۵	۷۵

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

جدول ۱۵- نسبت انرژی دریافتی به توصیه شده قند و شکر در سالهای مختلف

(درصد)

به تفکیک دهکهای درآمدی - روستا

دهکهای درآمدی										سال	میانگین
دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول		
۱۸۶/۹	۱۱۵/۷	۱۰۷/۱	۹۷/۸	۹۲/۳	۸۸/۰	۸۶/۸	۷۹/۵	۷۰/۸	۶۳/۰	۹۸/۵	۷۱
۱۷۹/۵	۱۲۶/۱	۱۱۵/۷	۱۰۴/۶	۱۰۲/۱	۹۰/۳	۸۳/۰	۷۶/۸	۶۵/۷	۵۱/۶	۹۹/۱	۷۲
۱۵۹/۷	۱۱۹/۵	۱۱۰/۹	۹۶/۰	۹۲/۳	۸۳/۱	۸۱/۲	۷۲/۰	۶۵/۲	۴۷/۹	۹۲/۴	۷۳
۲۵۶/۹	۱۷۷/۹	۱۵۶/۳	۱۳۷/۲	۱۲۳/۷	۱۲۱/۱	۱۰۹/۴	۹۸/۴	۱۰۳/۲	۷۰/۶	۱۳۵/۳	۷۴
۲۱۳/۰	۱۷۴/۳	۱۴۸/۹	۱۳۳/۷	۱۲۶/۲	۱۲۰/۷	۱۱۰/۳	۱۰۶/۰	۹۳/۷	۷۸/۸	۱۳۱/۲	۷۵

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

### جمع‌بندی و ملاحظات

این مقاله با توجه به رفتار مصرفی خانوارها، به نقش قند و شکر در امنیت غذایی آنها می‌پردازد و با توجه به ملاکهای مختلف، اهمیت قند و شکر در سبد مصرفی خانوارها را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین در پایان ضرورت دارد به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که آیا قند

و شکر شایستگی آن را دارد که در سبد حمایتی باقی بماند یا خیر؟  
 برای پاسخ به سؤال پیش گفته باید تأکید خاص بر گروههای کم درآمد باشد لذا با توجه به ملاکهای مورد بررسی در این مقاله و مقایسه آن برای کالاهای مختلف که در جداول (۱۶) و (۱۷) آمده است، ملاحظه می شود قند و شکر در جامعه شهری، هشتمین و در جامعه روستایی، چهارمین سهم از مخارج خوراکی گروه کم درآمد را به خود اختصاص داده است.  
 کاهش قیمتی قند و شکر کمتر از یک است یعنی با افزایش قیمت، مردم به نسبت کمتری مصرف را کاهش می دهند و در نتیجه، افزایش قیمت آن گروههای کم درآمد را متاثر می سازد و قدرت خرید آنها را کاهش می دهد. همچنین قند و شکر در رده کالاهایی است که متخصصین علم تغذیه مصرف آن را توصیه کرده اند.

شاخص بسیار مهم دیگری که نقش اساسی در تصمیم گیری راجع به محتویات سبد حمایتی دارد، عبارت از نقش کالا در تأمین ارزشهای غذایی مورد نیاز برای گروههای کم درآمد است که یافته های این مقاله بر آن دلالت دارد. قند و شکر بعد از نان و روغن نباتی، با سهم ۶/۱ درصد سومین کالا در تأمین انرژی دریافتی گروههای کم درآمد شهری، و با سهم ۸/۹ درصد در روستا دومین کالا بعد از نان در تأمین انرژی بوده است. لذا حمایت از آن باید همچنان ادامه داشته باشد بالاخره شاخص کاهش درآمدی قند و شکر نیز ضروری بودن این کالا را تأیید می کند. زیرا کاهش درآمدی قند و شکر طی سالهای ۷۵-۱۳۶۳ هم در جامعه شهری و هم در جامعه روستایی همواره کوچکتر از یک بوده است به ویژه در سال ۷۵ برای جامعه شهری مقدار عددی کاهش درآمدی ۰/۵۱ و برای جامعه روستایی ۰/۵۶ بوده است.

همچنین نتایج نشان می دهد که ضریب تغییرات توزیع زمانی انرژی حاصل از قند و شکر در داخل دهک کم درآمد، پایداری خود را در جوامع شهری و روستایی حفظ نموده است که می تواند از آثار مثبت نظام حمایتی باشد. از طرف دیگر، ضریب تغییرات توزیع انرژی حاصل از قند و شکر در بین دهکها برای هر سال نشان دهنده نابرابری این توزیع بین گروههای کم درآمد و پر درآمد است که سهم هر دهک از انرژی توزیع شده نیز آن را تأیید می نماید.

بنابراین، در جمع بندی نتایج فوق می توان گفت که قند و شکر در مقایسه با سایر کالاها شایستگی آن را دارد که به منظور ایجاد و حفظ امنیت غذایی گروههای کم درآمد همچنان در

بسته حمایتی باقی بماند، زیرا هنوز ۱۰ درصد جامعه شهری و ۱۰ درصد جامعه روستایی، انرژی توصیه شده از قند و شکر را دریافت نمی‌کنند و به علت داشتن کسش قیمتی حدود ۰/۵، افزایش قیمت نه تنها تأثیر چندانی در تغییر مصرف آنها نخواهد داشت بلکه باعث افزایش هزینه صرف شده برای قند و شکر این گروه خواهد بود که در نتیجه خانوارها مجبور خواهند شد مصرف سایر کالاهای خوراکی و یا غیرخوراکی را کاهش دهند که خود منجر به کاهش امنیت غذایی از نظر تنوع غذایی می‌گردد. اما با توجه به روند رو به تزاید پرخوری در گروههای پردرآمد در جوامع شهری و روستایی هدفمند نمودن یارانه پرداختی ضرورت دارد.



جدول ۱۱- رتبه‌بندی اقلام اساسی در سبد مصرفی دهک اول بر حسب ملاکهای مختلف (شهری - سال ۱۳۷۵)

رتبه‌بندی اقلام براساس	رتبه‌بندی اقلام بر حسب	رتبه‌بندی اقلام براساس	رتبه‌بندی اقلام براساس	رتبه‌بندی اقلام براساس	رتبه‌بندی اقلام بر حسب	رتبه‌بندی اقلام بر حسب	رتبه‌بندی اقلام بر حسب
کشت درآبادی	سهم آنها در تأمین پروتئین	سهم آنها در تأمین انرژی	دهک اول	دهک اول	سهم کل از کل مخارج	سهم کل از کل مخارج	سهم کل از کل مخارج
(گرم)	(کالری)	(گرم)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(کیلوگرم)
۰/۰۶۱	نان	۲۶/۰۷	۱۳۲۱/۸۷	گرم + نان	۱۳۲۸	گرم + نان	۱۵۷/۵۱
۰/۲۶۶	برنج طلایی	۳۲/۳۱	۱۳۳۷/۹۱	انواع نان	۵۳	میوه‌های و سبزیها	۹۴۷/۶
۰/۵۱	قند و شکر	۲/۸۷	۱۲۵/۸۷	روغنهای نباتی	۷/۳۹	گرم + نان	۶۷/۶
۰/۵۳	میوه‌ها	۲/۸۶	۱۲۷/۸۳	قند و شکر	۵/۸	نان	۱۲
۰/۶۱	بسته آردی	۱/۳۵	۲۷/۲۲	روغن‌های شکر	۵/۸	غلات	۱۲/۳
۰/۸۴	چای و قهوه	۱/۳۶	۴۶/۲۷	قند و شکر	۵/۸	روغن نباتی	۱۱/۸
۰/۸۱	بسته طلایی	۱/۳۹	۳۵/۶۶	گرم + نان	۵/۳	گرم + نان	۱۱/۷
۰/۸۲	برنج طلایی	۱/۱۷	۲۲/۸۲	گرم + نان	۵/۳	قند و شکر	۱۱/۸
۱/۵	کره پاستوریزه	۰/۵۵	۲۱/۸۳	برنج زرد و طلایی	۲/۸۱	چای و قهوه	۱۰/۳
۱/۶	کره صنعتی	۰/۴۶	۱۸/۳۱	برنج	۱/۶	تخم مرغ	۹/۳

مأخذ: طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

جدول ۱۷- رتبه‌بندی اقدام اساسی در سبب مصرفی دهک اول بر حسب ملاکهای مختلف (شهری - سال ۱۳۷۵)

رتبه‌بندی کالاها بر اساس کشت در آسبی	رتبه‌بندی کالاها بر حسب ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر اساس ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر اساس ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر اساس ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر اساس ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر حسب ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر حسب ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر حسب ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر حسب ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر حسب ملاکهای مختلف	رتبه‌بندی کالاها بر حسب ملاکهای مختلف
(گرم)	(کالری)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(کلوگرم)
۰/۲۱	نان	۳۰/۵۶	کشم و نان	۱۰/۷۵	کشم و نان	۱۰/۷۵	کشم و نان	۱۵/۲۱	کشم و نان	۱۰/۷۵	کشم و نان
۰/۲۳	شیر مرغ	۱۶/۲۸	نان	۶	۷/۲۳	شیر مرغ	۱۳/۸	گوشت	۵۶	شیر مرغ	۵۶
۰/۵۶	قهوه و شکر	۲/۱۱	قهوه و شکر	۵/۴۶	۷/۲۳	شیر مرغ	۱۳/۸	شیر مرغ	۵۶	شیر مرغ	۵۶
۰/۴۶	پخت لوبی	۱/۲۶	پخت لوبی	۵	۶/۲۴	قهوه و شکر	۸/۲	قهوه و شکر	۳۷/۸	قهوه و شکر	۳۷/۸
۰/۴۶	پخت لوبی	۱/۲۶	پخت لوبی	۵	۶/۲۴	قهوه و شکر	۸/۲	قهوه و شکر	۳۷/۸	قهوه و شکر	۳۷/۸
۰/۴۶	پخت لوبی	۱/۲۶	پخت لوبی	۵	۶/۲۴	قهوه و شکر	۸/۲	قهوه و شکر	۳۷/۸	قهوه و شکر	۳۷/۸
۰/۴۸	شیر مرغ	۱/۱۲	شیر مرغ	۶/۲۵	۶/۲۵	شیر مرغ	۱۳/۸	شیر مرغ	۵۶	شیر مرغ	۵۶
۱/۱	پخت لوبی	۰/۸	پخت لوبی	۴/۵۶	۴/۵۶	پخت لوبی	۱۳/۸	پخت لوبی	۱۳/۸	پخت لوبی	۱۳/۸
۱/۸	پخت لوبی	۰/۴۶	پخت لوبی	۴/۵۶	۴/۵۶	پخت لوبی	۱۳/۸	پخت لوبی	۱۳/۸	پخت لوبی	۱۳/۸
۲	پخت لوبی	۰/۳۹	پخت لوبی	۴/۵۶	۴/۵۶	پخت لوبی	۱۳/۸	پخت لوبی	۱۳/۸	پخت لوبی	۱۳/۸
۲/۱	پخت لوبی	۰/۲۵	پخت لوبی	۴/۵۶	۴/۵۶	پخت لوبی	۱۳/۸	پخت لوبی	۱۳/۸	پخت لوبی	۱۳/۸

ماخذ: طرح الگوری، مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

## منابع

۱. وزارت بازرگانی، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات، گروه مواد غذایی، گزارش تولید، توزیع و قیمت قند و شکر، سال ۱۳۷۴.
۲. ن. توسرکیسیان، م. رحمانیان، م. آذر، ح. میوریان، ش. خلیلی، جدول ترکیبات مواد غذایی ایران، جلد اول، مواد غذایی خام، از انتشارات انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، شماره ۱۳۱، تهران: ۱۳۵۸.
۳. قاسمی، حسین. تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی، ویژه‌نامه امنیت غذایی، فصلنامه علمی. پژوهشی سال دوم، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۲-۳۶.
۴. طرح الگوی مصرف، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۵. بررسیهای بازرگانی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵، شماره ۱۰۴ و ۱۰۵ - صفحه ۳۴-۲۹.
۶. خداداد کاشی، فرهاد. تعیین محتویات سبذ حمایتی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، معاونت پژوهشی، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، طرح الگوی مصرف.
۷. خداداد کاشی، فرهاد، جنبه‌هایی از رفتار مصرفی خانوارهای شهری و روستایی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، معاونت پژوهشی، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، طرح الگوی مصرف.
۸. خداداد کاشی، فرهاد. نقش دولت در تأمین عدالت توزیعی در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، معاونت پژوهشی، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، طرح الگوی مصرف.
۹. خداداد کاشی، فرهاد. بررسی امکان صرفه‌جویی از محل کاهش واردات کالاهای اساسی و تسببات آن، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، معاونت پژوهشی، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، طرح الگوی مصرف.
۱۰. خداداد کاشی، فرهاد. دینی، علی. تحلیل اجمالی از مسایل مرتبط با گندم، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، معاونت پژوهشی، مدیریت پژوهشهای بازرگانی داخلی، طرح الگوی مصرف.